

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۹۴، صفحات ۴۵-۶۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۲/۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۸

تأثیرات سیاسی - اجتماعی حضور روسیه در گیلان در دوره قاجار

نصراله پورمحمدی املشی^۱

کلتوم قدیری لشکاجانی^۲

چکیده

در دوره قاجار، گیلان به خاطر وجود راه ارتباطی آسان تر مراکز داخلی ایران به بنادر روسیه، به‌عنوان دروازه اروپا تبدیل شد. این موقعیت برتر ارتباطی، در کنار شرایط اقتصادی این منطقه توجه روسیه را به خود جلب نمود. بر این اساس تسلط بر آن از مهم‌ترین اهداف زمامداران این کشور گردید. حضور و نفوذ روسیه در گیلان بعد از جنگ‌های ایران و روس سرعت گرفت. این امر پیامدهای اجتماعی - سیاسی متعددی در منطقه بجای گذاشت و باعث آشنایی اهالی با تحولات جدید جهان شد و زمینه برای ایجاد خیزش‌های اجتماعی - سیاسی فراهم گردید. بدین ترتیب گیلان از اولین نواحی ایران بود که تحت تأثیر روابط با روسیه و بالطبع اروپا، تأثیرات و تحولات متعددی را شاهد بود. حضور آرامنه قفقاز در گیلان، مهاجرت کارگران روسی و گیلانی، مداخلات اتباع روسی در منطقه، ایجاد روحیه بیگانه‌ستیزی، انقلاب مشروطیت گیلان و تحولات رشت از آن جمله بود.

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، تأثیرات سیاسی اجتماعی، گیلان، دوره قاجاریه.

۱- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

Email: poor_amlashi@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

Email: nashr1390@yahoo.com

Social- Political Impacts of Russia Presence in Guilan in the Qajar Era

N. Poormohammadi Amlashi¹

K. Ghadiri Lashkajani²

Abstract

During Qajar era, Guilan became a gate to Europe because of its facile connections with Iran's internal centers specially the capital and the Russian ports. This superior communication position, besides the economical condition of the region, attracted the Russians' attention. Therefore, conquering this region became one of the most important purposes of Russian governors. The presence and influence of Russia in Guilan was accelerated after the wars between Iran and Russia. This caused many social-political consequences and led to the familiarity of the people of this region with the world's new developments. This paved the way for some social-political movements. Under the influence of Iran's relations with Russia and also Europe, Guilan was among the first regions witnessing numerous changes, such as the presence of Caucasus Armenian in Guilan, migration of Russian and Guilanese labors, Russian nationals' interventions in the region, creation of the spirit of xenophobia, Guilan's constitutional revolution and Rasht mutation.

Keywords: Iran, Russia, Social- Political Impacts, Guilan, Qajar Era.

1 - Associate Professor of History, Imam Khomeini International University
Email: poor_amlashi@yahoo.com

2 - MA in History, Imam Khomeini International University
Email: nashr1390@yahoo.com

مقدمه

آغاز ارتباط ایران و روسیه از طریق گیلان، تجاری بود و به قرون اولیه اسلامی برمی‌گردد. در دوره صفویه، با شروع تحولات جدید در روسیه، زمامداران آن نفوذ در سرزمین‌های همسایه از جمله ایران را برای توسعه لازم دانستند. ضعف حکام ایرانی از اواخر صفویه تا پایان قاجاریه، این امکان را به روسیه داد که نفوذ و حضور خود را در ایران بخصوص گیلان مسجل کند. روس‌ها با تهاجمات نظامی و برقراری مراودات سیاسی و اقتصادی بر منطقه مسلط شدند. این نفوذ و حضور مستمر، ارتباط بین گیلانیان با روسیه و حتی کشورهای اروپایی را گسترش داد و سبب بیداری افکار و اندیشه آنان شد و تحولاتی را رقم زد.

این تحقیق با روش تحلیل محتوا و به شیوه کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است: حضور گسترده روسیه چگونه در بیداری افکار و اندیشه مردم گیلان مؤثر بود و آن‌ها به چه نحوی از حضور روس‌ها بهره‌برداری کردند؟

۱- گیلان دروازه اروپا

از قرون گذشته نواحی ساحلی خزر به‌عنوان مناطق مرزی با روسیه مورد توجه بود. آغاز ارتباط از طریق روابط اقتصادی بود. ابریشم و تولیدات دیگر، روسیه را به این مناطق کشاند. «گیلان عموماً مملکت پرمفعتی است و از قبیل ماهی و برنج و زیتون و ابریشم و اشپیل ماهی در آن وفور دارد و درخت‌های جنگلی میوه‌دار و غیره در آن بسیار است.» (بوهرلر، ۱۳۸۹: ۲۸).

از زمان صفویه رفت‌وآمد تجار و بازرگانان روسی به ایران سرعت گرفت. به دنبال روابط اقتصادی، هجوم‌های نظامی و روابط سیاسی توسعه یافت و بعد از جنگ دوم ایران و روس، تسلط روسیه بر منطقه کامل شد. احداث جاده انزلی به تهران در دوره ناصری توسط روسیه، گیلان را تبدیل به مهم‌ترین راه ارتباطی کرد. با احداث این راه، عبور و مرور به روسیه و اروپا توسعه پیدا کرد. «جاده انزلی- رشت- تهران و بندر بازسازی شده انزلی اهمیت مهمی به گیلان به‌ویژه محور انزلی- رشت به‌عنوان دروازه ورودی کشور در آغاز قرن بیستم

بخشید.» (عظیمی دوبخستری، ۱۳۸۱: ۲-۹۱). بر این اساس بسیاری از اروپاییان گیلان را برای تجارت مناسب دیدند و حتی برخی دولت‌ها در رشت و انزلی کنسولگری ایجاد کردند.

این جاده کاملاً تحت کنترل روسیه بود و با اتصال به خطوط کشتیرانی دریای خزر که در اختیار این کشور بود، زمینه صدور محصولات ایران و ورود امکانات و ابزار جدید از روسیه و غرب به گیلان را فراهم کرد. از جمله می‌توان به ابریشم، برنج، ماهی، کارخانه ابریشم کشی، روغن کشی، برق، آتش‌نشانی، احداث خطوط راه‌آهن و ایجاد مراکز درمانی اشاره کرد.

از این زمان مسافرت از طریق دریای خزر توسعه یافت، بسیاری از رجال و بزرگان و سفرا از این راه بهره بردند و حتی سفرهای خارجی شاهان قاجار اغلب از مسیر خزر بود. با افزایش سفرهای سیاسی و ورود و خروج سفرا گیلان اهمیت خاصی یافت، مسئولین محلی مراسم استقبال و بدرقه به‌جا می‌آوردند و مأمورانی در منطقه برای پذیرایی گمارده شده بودند. راوندی می‌نویسد: «سفرای خارجی که وارد بندر انزلی می‌شوند، از طرف مأمور اعزامی از تهران به نام مجیب‌السفرا مورد استقبال قرار می‌گیرند.» (۱۳۸۲: ۴/۶۲۳).

در افضل‌التواریخ آمده است عباس میرزا ملک‌آرا در سال ۱۲۹۶ق/ ۱۸۷۸م که از ترس ناصرالدین‌شاه به روسیه پناه برده بود، به انزلی آمد و مورد استقبال قرار گرفت (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۱۲۵). در سال ۱۲۹۷ق/ ۱۸۸۰م هیئت تجاری ژاپن که از اعضاء آن فوروکاوا بود، بعد از انجام مأموریت از راه گیلان بازگشتند. دکتر فوریه در سال ۱۳۰۹ق/ ۱۸۹۱م هنگام بازگشت به فرانسه، از گیلان عبور کرده و از بیماری وبا و مشکلات رفت‌وآمد در گیلان سخن گفته است (۱۳۸۵: ۳۹۱). در سال ۱۳۱۵ق/ ۱۸۹۷م وزیرمختار آمریکا و سال بعد وزیرمختار آلمان وارد گیلان شدند و تا تهران مورد پذیرایی و تشریفات حکومتی قرار گرفتند (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۶۲ و ۱۵۴).

از جمله رجال ایران که از راه باکو- انزلی در زمان انتخابات دوره اول مجلس وارد ایران شد، تقی‌زاده بود (۱۳۷۹: ۶۶) و بعد از به توپ بستن مجلس، تحت حمایت سفارت انگلیس از همین راه راهی باکو شد.

در دوره احمدشاه، مجلس دوم از مورگان شوستر برای تنظیم امور کشور، دعوت کرد.

وی وارد انزلی و بعد از استقبال از سوی نایب‌الحکومه گیلان راهی تهران شد (شوستر، ۱۳۸۹: ۵۵). شوستر با انجام برخی اقدامات که با مخالفت روس و انگلیس همراه بود، مجبور به خروج از ایران گردید که باز از طریق گیلان راهی شد و اهالی با حسرت شاهد خروج او بودند.

ناصرالدین شاه اولین پادشاه ایران بود که به سفر اروپایی رفت. این پادشاه در صفر ۲۹۰ ق/ ۱۸۷۳م راهی رشت شد. در این زمان دولت روس بلافاصله مهمانداری را عازم رشت نمود تا پادشاه ایران را تا پترزبورگ همراهی کند (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ۱/ ۶۳ / اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۹۳۸/۳). مسافرت ناصرالدین شاه بعد از پنج ماه از مسیر انزلی به پایان رسید.

اولین سفر اروپایی مظفرالدین شاه در سال ۱۳۱۹ ق/ ۱۹۰۱م از مسیر گیلان بود که در بازگشت وقوع آتش‌سوزی در رشت باعث وحشت وی گردید (جورابچی، ۱۳۸۶: ۸۴). در سال ۱۳۲۳ ق/ ۱۹۰۵م سفر دوم مظفرالدین شاه باز از مسیر گیلان بود. در این سفر وی از فعالیت روس در بندر انزلی بسیار خشمگین گردید (رابینو، ۱۳۸۶: ۵۶۰).

تنها سفر خارجی محمدعلی شاه نیز رفتن به تبعیدگاهش ادسا در روسیه بود که از راه گیلان به باکو رفت (خیرالکلام، ۱۳۲۷: ۷۶: ۱).

احمدشاه در سال ۱۳۳۷ ق/ ۱۹۱۹م راهی اروپا شد. «سلطان احمدشاه... نزدیک غروب وارد شهر رشت گردید؛ و چون اوضاع رشت در اثر قیام میرزا کوچک‌خان قدری درهم بود لذا شاه بدون اندک توقفی از رشت به طرف بندر انزلی رهسپار شد.» (مکی، ۱۳۵۷: ۵۱). نمونه‌هایی که ذکر شد نشان می‌دهد، بعد از احداث جاده توسط روس‌ها، گیلان و به‌ویژه شهرهای رشت و انزلی به مسیر اصلی عبور و مرور و اسکان موقت مسافران مبدل شده بود. لذا در این فرایند علاوه بر تبادل افکار و اندیشه، بستر لازم برای تغییر و تحول در گیلان هم از نظر ذهنی و هم از نظر عینی مهیا شد.

۲- آرامنه

ارمنیان قفقاز در معادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور نقش مهمی بازی

کردند. از زمانی که ابریشم گیلان مورد توجه قرار گرفت، اقوام متعددی از جمله ارامنه در تولید و تجارت آن فعال شدند. «تزار الکساندر روسیه به خاطر توسعه واردات و مصرف ابریشم طی فرمانی به دو تاجر ارمنی... اجازه می‌دهد تا این کالا را بدون پرداخت عوارض گمرکی وارد روسیه کنند.» (فروچی، ۱۳۷۷: ۱ و ۷۰).

شاه عباس اول صفوی تعدادی از ارامنه قفقاز را جهت تولید و تجارت ابریشم در گیلان ساکن کرد که گروهی از آن‌ها در شرایط محیطی جدید زنده ماندند و ماندگار شدند و جزء جدانشدنی تجارت در گیلان به حساب آمدند آنان با تأسیس تجارتخانه علاوه بر ابریشم به تجارت محصولات دیگر نیز مشغول بودند (همان: ۴۹).

بعد از عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای، منطقه قفقاز به خاک روسیه ملحق شد، بر این اساس روس‌ها کوشیدند از ارامنه به‌عنوان اتباع خود بهره‌برند. با توجه به شرایط سیاسی ایران تعدادی از ارامنه، تابعیت روسیه را بر ایران ترجیح دادند.

ارامنه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فعال بودند. در انقلاب مشروطه گیلان حضور مؤثری داشتند بخصوص حزب دانشناکسیون به رهبری پیرم‌خان که جزء فاتحان تهران بودند. در زمینه‌های فرهنگی نیز فعالیت داشتند و اقدام به تأسیس مدارس ارامنه در رشت و انزلی و تشکیل گروه‌های متعدد فرهنگی و هنری کردند. طی جنگ جهانی اول به دنبال جنگ‌های بین مسلمانان و ارامنه در منطقه قفقاز و انقلاب روسیه، تعداد زیادی از ارامنه به سوی گیلان رانده شدند. حضور و فعالیت ارامنه در گیلان سبب شد که اهالی تا حدی تحت تأثیر حضور آن‌ها، جمعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری ایجاد کردند در نتیجه در پیدایش افکار، اندیشه‌ها و تحولات جدید مؤثر بودند و در توسعه سیاسی و اجتماعی گیلان آثار مثبتی به‌جای گذاشتند.

۳- مهاجرت کارگران

مهاجرت کارگران دو کشور یکی از مسائل اجتماعی قابل توجه در دوره قاجاریه بود. چنانکه گزارش شده است: «تعداد روس‌هایی که به‌طور ثابت اینجا [انزلی] اقامت دارند کم است. ... در طول ماه‌های فوریه، مارس و آوریل... که فصل صید ماهی‌های خاویاری است

نیروی کمکی ۳۰۰ نفره‌ای از آستاراخان می‌رسند.» (هولمز، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

کارگران روسی زودتر از ایرانیان دست به مهاجرت زدند. این مهاجران اغلب برای کار در شیلات و تأسیسات بندر، جاده‌سازی، کارخانه‌ها و صنعت چوب به ایران آمدند؛ اما در اواخر حکومت قاجار، فقر و تهیدستی کشاورزان و صنعتکاران ایران، توسعه صنایع و کشاورزی روسیه و نیاز به کارگر، این بار این ایرانیان بودند که بیشترین مهاجرت را به روسیه انجام دادند. «دهقانان فقیر شده، پیشه‌وران و افراد سایر طبقات مردم ایران، سال به سال بطور دسته‌جمعی به بنادر خزری و شهرهای ناحیه ولگا روی می‌آورند.» (عیسوی، ۱۳۸۸: ۷۸). این افراد اغلب از مردم نواحی شمالی ایران از آذربایجان تا خراسان بودند. اگرچه حجم مهاجرت آذربایجانی‌ها به قفقاز و خراسانی‌ها به آسیای میانه بیشتر از گیلان و مازندران بود اما همین حداقل مهاجرت از سوی این منطقه قابل توجه است. چون در گذشته کشاورزی و تجارت پررونق منطقه نیاز به کارگر داشت و حتی از نواحی دیگر ایران گروه‌های زیادی جهت کار به این منطقه مهاجرت می‌کردند (حکیمیان، ۱۳۷۴: ۶۴). ولی در اواخر قاجار اوضاع اقتصادی گیلان سبب شد که عده‌ای از اهالی از عهده معیشت خود برنمی‌آمدند و راهی روسیه شدند. این امر نشان از سیاست‌های نامناسب اقتصادی دولت داشت. «مهاجرت توده‌های ضربه دیده ایرانی از ایران به قدری شدید و سریع بوده که دولت ایران نمی‌توانسته از سرعت مهاجرت این افراد جلوگیری به عمل آورد.» (عیسوی، ۱۳۸۸: ۷۸). براین اساس دولت قاجار که خود نیاز بسیاری به این سرمایه‌های انسانی داشت تنها شاهد خروجشان از کشور بود و این مراکز تولیدی روسیه بودند که از آن‌ها بهره می‌بردند.

۴- رشت کانون تحولات

موقعیت جغرافیایی رشت در توسعه آن نقش مهمی داشت. نزدیکی آن به بندر انزلی به‌عنوان مهم‌ترین مرکز حمل‌ونقل مسافر و کالا از یک‌طرف، و به قزوین و مازندران از طرف دیگر باعث اهمیت آن شده بود. «رشت در فاصله‌ای تقریباً برابر از مرزهای روسیه و حریم ایالت مازندران قرار دارد و تنها شش شبانه‌روز راه کاروان‌رو آن را از قزوین، عمده‌ترین انبار کالا در سراسر ایران، جدا می‌کند. از سوی دیگر فاصله‌اش تا پیر بازار ... حدود یک ساعت و نیم است.» (خودزکو، ۱۳۸۸: ۲۳).

موقعیت ویژه جغرافیایی رشت و قرار گرفتن آن در مرکز مبادلات شمال باعث شد با وجود شرایط بد آب‌وهوایی و موقعیت نامناسب طبیعی، به‌عنوان یکی از شهرهای مهم دنیای تجاری آن روز مورد توجه باشد. «مرکز ایالات گیلان [رشت] در میان جنگل و باتلاق و مرداب‌های راکد قرار گرفته، از این‌رو هوایش بسیار عفونی و ناسالم است.» (کرزن، ۱۳۴۷: ۲۰۶). جکسن هم به زشتی و نامطلوبی آن اشاره دارد (۱۳۵۲: ۵۰۱). با وجود چنین شرایط در دوره قاجار مملو از جمعیت اتباع خارجی و ایرانی غیربومی بود.

در مورد جمعیت شهر سیاحان، آمار متفاوتی را عنوان کرده‌اند اما روند افزایشی آن قابل مشاهده است. اگرچه در پاره‌ای از زمان‌ها بیماری‌های همه‌گیر به‌شدت جمعیت آن را کم کرده است مثل «طاعون بزرگ سال ۱۲۴۶ ق / ۱۸۳۰ م که رشت را به‌صورت شهر مردگان درآورد و گیلان را ماتمکده ساخت.» (کشاورز، ۱۳۴۷: ۵۱). از دوره ناصرالدین‌شاه جمعیت آن به‌تدریج افزایش یافت. اتباع روس بیش از سایر خارجی‌ان در منطقه حضور داشتند. در زمان معاملات ابریشم، شهر مملو از تجار ایرانی و خارجی می‌گردید چنانکه خودزکو می‌نویسد: «تجار و معامله‌گرهای ایرانی، روسی، ارمنی و یونانی از هر طرف جمع شده و هیجان غریبی که در شهرهای شرقی اغلب نادرالوقوع است برپا می‌دارند. کارها عموماً مربوط به ترقی و تنزل قیمت ابریشم است، نه حرارت سوزان روزانه، نه مه و بخار و پشه‌های شب، معامله‌کنندگان را قادر به متفرق کردن نیست.» (۱۳۸۸: ۲۳).

اگرچه رشت دروازه اروپا بود و این امر می‌توانست یک امتیاز برای تجار و کالاهای ایرانی باشد اما تسلط روسیه بر حمل‌ونقل دریای خزر و منطقه باعث شد که معامله‌گران آن اکثراً روسی باشند و آن به بازار بزرگ کالاهای روسی تبدیل شود. «تجارت ابریشم آن پررونق و همه‌ساله مقدار معتناهی صادرات دارد، در حال حاضر این تجارت پرمفعت دست روس‌ها است.» (دروویل، ۱۳۷۰: ۳۸۴). «بازارها پر از محصولات و مصنوعات روسیه است که در تمام ایالت گیلان به مصرف می‌رسد.» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۱۲۸).

وجود کالاهای متعدد ایرانی و خارجی در رشت سبب شده بود که مملو از جمعیت باشد و اتباع خارجی در آن تجارتخانه ایجاد کنند چنانکه دالمانی تعداد آن را پنجاه مرکز می‌نویسد که سه تجارتخانه از آن فرانسویان بوده و یک‌چهارم ابریشم را خریداری می‌کردند (همانجا).

رشت با وجود طاعون کشنده دیگر در سال ۱۲۹۴ق/ ۱۸۷۶م جایگاه مهم خود را تا اواخر حکومت قاجار حفظ کرد. زمانی که دریای خزر اهمیت تجاری گذشته خود را از دست داد، رشت هم از رونق قبلی به عنوان دروازه اروپا باز ایستاد اما از این گذر توانست بهره ببرد و خود را به توسعه غرب نزدیک کند.

۵- بیگانه‌ستیزی

حضور اتباع خارجی و به‌ویژه روس‌ها در گیلان به تدریج باعث ایجاد بدبینی و سوءظن در اهالی گردید. این بدبینی دو منشأ داشت:

اول- به اعتقادات مذهبی برمی‌گشت که از غیرمسلمانان دوری می‌کردند و هولمز در نوشته‌هایش بدان اشاره کرده است (۱۳۹۰: ۷۹). این بدبینی باعث می‌گردید گیلانی‌ها در روابط خود با خارجی‌ها ملاحظاتی داشته باشند. اورسل اشاره می‌کند که هنگام عبور از کوچه‌های شهر رشت با متلک اهالی روبرو می‌شد (اورسل، ۱۳۵۳: ۱۷). خانم سرنا که در انزلی به منزل یکی از اهالی شهر رفته بود از برخوردشان می‌نویسد: «به‌محض ورود با تأسف به من گوشزد کردند که از میزبانی من تا هنگام عزیمت معذور خواهند بود.» (۱۳۸۳: ۳۶۹).

دوم- به احساس وطن‌پرستی و ملیت‌گرایی به‌ویژه در برابر مهاجمان روس برمی‌گردد. از اواخر دوره صفویه که سربازان روس وارد گیلان شدند، ظلم و ستم آن‌ها سبب کینه‌ورزی مردم شد. این کینه‌ورزی در زمان ظهور نادر یکی از عوامل عقب‌نشینی روس‌ها از گیلان بود (پرتو، ۱۳۷۹: ۴۶۲). در زمان تسلط افغان‌ها اولین شورش ضد روسی به رهبری فردی به نام زینل صورت گرفت (همان، ۱۳۸۲: ۱۲). اگرچه قیام وی شکست خورد اما روس‌ها را متوجه بدبینی مردم نسبت به خود نمود. در دوره فتحعلی‌شاه جنگ‌های اهالی به فرماندهی میرزا موسی‌خان منجم‌باشی و پس از آن مصطفی‌خان طالشی از این احساس وطن‌پرستی اهالی نشأت می‌گرفت.

شورش اهالی انزلی در محرم ۱۲۸۹ق/ ۱۸۷۳م باعث شد که چند نفر تبعه روس توسط مردم بومی به قتل برسند. در سال ۱۳۰۳ق/ ۱۸۸۵م بازار رشت دچار آتش‌سوزی شد که

گویا توسط ناراضیان از تسلط روس بر بازار گیلان صورت گرفته بود (همان، ۱۳۷۹: ۵۶۶).

در دوره انقلاب مشروطه، بدینی اهالی گیلان نسبت به روس‌ها با عکس‌العمل‌های تندی همراه بود. در شورش اهالی کرگانرود، خانه بعضی از مسلمانان تبعه روس را غارت کردند (رایینو، ۱۳۶۸: ۱۹). بعد از اخراج ارامنه قفقاز به دست روس‌ها، ارامنه گیلان، صحبت نکردن به زبان روسی، خروج فرزندان خود از مدارس‌شان و تدریس زبان دیگری غیر از روسی را خواستار شدند (فروچی، ۱۳۷۷: ۱۷۵). اعتراض قایق‌رانان و کرجی‌بانان، قیام ماهیگیران انزلی در سال ۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۵م و تحریم کالاهای روسی (آدمیت، ۱۳۵۴: ۸۷)، از احساسات بیگانه‌ستیزی مردم حکایت دارد.

در دوره استبداد صغیر اعتراضات علیه روس‌ها و حتی عوامل داخلی آن‌ها ادامه داشت، مانند شورش مجدد صیادان در سال ۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۷م. (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۱/۳-۱۲۲).

بعد از سقوط محمدعلی شاه با مداخلات روس‌ها، اعتراضات ادامه داشت. چنانکه گزارش شده است: «حضور سربازان روسیه تزاری در گیلان و اعمال خلاف عرف، شرع و قانون آنان و نیز مداخلات قونسولگری روس در رشت، موجب پدید آمدن روحیه بیگانه‌ستیزی و تظاهرات ضد روسی شده بود.» (یوسف‌دهی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). در جریان اولتیماتوم روس، «اهالی مال‌التجاره روس را تحریم نموده بازارها بسته است و بدین واسطه خیلی اسباب زحمت و مشقت طبقه دانه شد عملجات بندر انزلی از پیاده نمودن اجناس روسی از کشتی امتناع ورزیده و علیهذا تجارت و معاملات تعطیل است.» (رایینو، ۱۳۶۸: ۱۹۳).

نهضت جنگل هم علت قیام خود را بیگانه‌ستیزی معرفی می‌کند. میرزا کوچک‌خان در نامه‌اش به رئیس آتریاد تهران، علت قیام خود را وظیفه ملی و مذهبی در مقابل تسلط بیگانگان مطرح می‌کند. «وجدانم به من امر می‌کند که در استخلاص مولد و موطنم که گرفتار چنگال قهاریت اجنبی است کوشش کنم... در قانون اسلام مدون است کفار وقتی که به ممالک اسلامی مسلط شوند مسلمین باید به مدافعه برخیزند.» (مکی، ۱۳۵۷: ۱۰۹).

هفته‌نامه تجدد به وجود تنفر از روس‌ها حتی بعد از انقلاب اکتبر اشاره دارد (تجدد، ۱۳۳۵: ۱). با آغاز به کار دولت جدید روسیه، خروج از گیلان و انعقاد عهدنامه دوستی،

احساسات ضد روسی اهالی تا حدی تقلیل یافت.

۶- نفوذ اتباع روسیه در گیلان

روسیه برای تسلط بر گیلان از همه عوامل از جمله عناصر داخلی و اتباع روسی مقیم گیلان کمک می‌گرفت. با انعقاد عهدنامه ترکمانچای و کسب کاپیتولاسیون بسیاری از تجار و زمین‌داران منطقه برای امنیت بیشتر متمایل بودند تحت لوای دولت روس قرار گیرند که این امر زمینه نفوذ بیشتر روسیه را فراهم می‌کرد «روسیه تزاری در میان بازرگانان، دهقانان و ایلات شمالی ایران از نفوذ خاصی برخوردار بود.» (فوران، ۱۳۷۲: ۳۵).

وضعیت ایران عهد قاجار و نابسامانی‌های سیاسی و اقتصادی عامل مهمی در گرایش دولتمردان، اشراف، زمین‌داران و سرمایه‌داران گیلانی به سوی روسیه بود. هولمز از تاجری ایرانی صحبت می‌کند که «به دلیل عدم امنیت دارایی ایرانی‌ها، او تبعه روس شده است.» (۱۳۹۰: ۱۲۷). روس‌ها برخی از ارامنه ایران را متمایل به خود کردند. «ارامنه ایران را به وسایل مختلف فریب می‌دهند که به تبعیت روسیه تزاری درآیند.» (بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۵۷).

ایرانیان تبعه روس دارای آزادی عمل و مورد حمایت دولت روسیه بودند و در شهرهای مهم مثل رشت، انزلی، لاهیجان و لنگرود، عمارت‌ها، املاک و دهات زیادی در اختیار داشتند. «دهاتی که متعلق به اتباع روس است مانند خاک مقدس است و نمایندگان دولت ایران جرأت دخالت در امور ساکنین آن دهات را ندارند.» (مکنزی، ۱۳۵۹: ۲۰۸). وجود تعداد زیادی از اتباع روس و حمایت شدید روس‌ها از آن‌ها، عملاً مانع اعمال قدرت عوامل حکومتی منطقه در امور اتباع می‌شد. «در ماه شوال ۱۲۸۹ (مه ۱۸۷۲) که معین‌الوزاره (حاکم گیلان) حکم اعدام یک رعیت روس را صادر کرد مأمور روس چون این امر را نقص پیمان می‌دانست تقاضا نمود تا دولت ایران وزیر امور خارجه را از سمتی که در گیلان دارد برکنار کند.» (رایبِنو، ۱۳۸۶: ۵۵۴). حمایت شدید روس از اتباع خود در صورتی بود که حکومت مرکزی و محلی ایران از اتباع خود قدرت کم‌ترین پشتیبانی را نداشتند. «در مواردی اتباع دستگیر شده ایران را بدون هیچ مجوزی جهت محاکمه یا تبعید به داخل روسیه می‌فرستادند در حالی که خود کنسول روس معتقد بود این عمل خلاف ضوابط قضایی

است.» (چلونگر، ۱۶۳:۱۳۸۲).

نفوذ روسیه از طریق اتباع خود در دوره انقلاب مشروطه به یک مشکل بزرگ برای مبارزان تبدیل شده بود. «بزرگ‌ترین مصیبت آزادیخواهان گیلان در آن زمان این بود که روس‌ها در آن سامان قدرت فوق‌العاده داشته و در تمام حقوق و شئون زندگی مردم مداخله می‌کردند و دست‌نشانندگان و تحت‌الحمایه‌های آن‌ها بر جان و مال مردم تسلط داشتند.» (تدین، ۱۳۵۳: ۲۳۵).

در جریان نهضت جنگل، اتباع روس حمایت می‌شدند و حکام وقت به‌جای حمایت از اهالی، سعی در برقراری امنیت آن‌ها داشتند. «فرماندار گیلان پس از گرفتن قول قطعی از سران جنگل که از عواید املاک منتسب به رعایای روس چیزی گرفته نشود... به رشت برگشت.» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۶۹: ۶۶).

اتباع روس تا انقلاب اکتبر روسیه در گیلان نفوذ زیادی داشتند و امکانات منطقه که حق مردم بود را در اختیار گرفته بودند. این امر زمینه نارضایتی‌ها و اعتراضات اهالی را در پی داشت.

۷- پیدایش افکار جدید

ایرانیان از گذشته‌ها به روسیه و کشورهای غربی رفت‌وآمد داشتند. این افراد اغلب تاجر، مأمور سیاسی، دانشجو و کارگر بودند. همین گروه‌ها از اولین کسانی بودند که افکار جدید را وارد ایران نمودند. در این میان بی‌شک کارگران نقش عمده‌ای داشتند. همان‌طور که بیان شد از دوره ناصرالدین‌شاه مهاجرت کارگران به روسیه شدت گرفت. آشنایی این کارگران با محیط سیاسی - اجتماعی روسیه بخصوص قفقاز از پیامدهای مهم این مهاجرت‌ها بود. «سفرهای منظم به روسیه... باعث شد که بسیاری از مهاجران با محیط اجتماعی و سیاسی جدیدی در تماس قرار گیرند.» (حکیمیان، ۱۳۷۴: ۶۴). ایجاد مدارس و چاپ روزنامه در منطقه قفقاز توسط ایرانیان اولین خیزش‌های فرهنگی و اجتماعی بود که آثارش در گیلان مشهود شد. «استفاده و بهره‌گیری از جراید مذکور [نوروز، حقایق، ملا نصرالدین] نه‌تنها برای مهاجرین بلکه برای بسیاری از اهالی تحصیل کرده و درس‌خوانده گیلان... میسر

می‌بود.» (فاخته، ۱۳۷۱: ۲۶۵). اندیشه‌های جدید به تدریج به گیلان رسید و با ایجاد مدارس جدید به‌ویژه مدارس دخترانه و کلاس‌های سوادآموزی برای بزرگسالان، مطبوعات، کتابخانه و نیز کانون‌های فرهنگی- هنری ابزارهای تحول‌خواهی فراهم می‌شد (فروچی، ۱۳۷۷: ۱۳۶) و به آرامی گیلانیان را آماده پذیرش افکار سیاسی، اجتماعی کرد. «فرهنگ مردم گیلان، دو دهه نخست قرن بیستم، از قالب سنتی بیرون آمد و فرمان‌پذیری جای خود را در اندیشه گیلانی‌ها به قانون‌پذیری وا گذاشت در نتیجه این دو دهه شاهد دو رویداد سیاسی شاخص- جنبش مشروطه و نهضت جنگل- در گیلان شد.» (پرتو، ۱۳۹۰: ۱۶۶). بدین ترتیب گیلان که در مسیر این شاهراه ارتباطی بود همگام با تهران و تبریز خواستار مشروطه شد زیرا زمینه‌هایی که باعث انقلاب مشروطه گردید، در این سه شهر پا به پای هم بوجود آمد.

شاید بتوان گفت در پیدایش افکار جدید و اندیشه‌های سیاسی، مهم‌ترین نقش را قفقاز و آزادیخواهان این منطقه به عهده داشتند. افکار سیاسی که در روسیه و غرب شکل می‌گرفت و بر افکار مردم قفقاز مؤثر بود، بر اندیشه‌های ضد استبدادی آزادیخواهان گیلانی نیز تأثیر گذاشت. «شکست کشور تزارها از ژاپون آسیایی و زان پس انقلاب ۱۹۰۵ روسیه در سراسر ایران به‌ویژه گیلان و آذربایجان تأثیر ژرفی داشته بود.» (کشاورز، ۱۳۴۷: ۵۴) با ایجاد مراکز تمدنی و فرهنگی از یک‌سو و نزدیکی به تهران، قفقاز و روسیه از سوی دیگر، گیلان به یک منطقه با داشتن افکار و اندیشه‌های جدید سیاسی، اجتماعی بدل شد. در این میان نقش ارمانه انقلابی «هنچاک» قفقاز را نباید نادیده گرفت. «هنچاک نقش بسزایی در آشنایی جوانان روشنفکر ایرانی با مرام سوسیال دموکراسی داشتند.» (یوسف‌دهی، ۱۳۸۷: ۱۱۲) بنابراین احزاب و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در گیلان بخصوص در رشت شکل گرفت که زمینه پیدایش افکار و ترویج قانون‌خواهی را فراهم نمودند. براین اساس گیلانی‌ها جزء اولین ایرانیانی بودند که با دنیای جدید آشنا شدند و از آنجا که بنا به گفته منابع کمتر اهل خرافات و تعصبات بی‌دلیل بودند، خیلی زود تأثیر پذیرفتند.

۸- اقدامات و مداخلات روس‌ها

از زمانی که روس‌ها وارد گیلان شدند برای پیشبرد اهداف خود از هیچ کاری دریغ

نداشتند و در صورت عدم همراهی دولت و حاکمان محلی، خود دست به کار می‌شدند. «در شمال ایران فرماندهان قوای روس و کنسول‌های آن دولت وجود مقامات محلی را نادیده گرفتند و به کارهای دولتی دست یازیدند.» (کاظم‌زاده، ۱۳۷۱: ۶۱۹).

با نفوذ روزافزون، این دولت برای دستیابی به اهداف خود حاکمان محلی و دولت مرکزی را بیش از پیش تحت فشار می‌گذاشت. نمونه‌های بسیاری از این موارد در منابع آمده است از جمله در دوران نهضت مشروطه گیلان، کنسول رشت به فرماندار وقت می‌نویسد که رئیس نظمیه انزلی، بدون اجازه کشتی جنگی یا کنسول روس با نیروهای مسلح ایرانی به کشتی روسی رفته و مبادرت به بازرسی نموده است. برای جلوگیری از ایجاد مشکل بهتر است مانع ایشان شوید (فخرایی، ۲۵۳۶: ۸-۲۲۷).

طی اولتیماتوم که سربازان روس وارد خاک گیلان شدند و مقاومت‌هایی از طرف اهالی صورت گرفت، روسیه تهدید به دادگاهی شدن معترضان کرد و طی اعلامیه‌ای عنوان نمود کسی حق حمل اسلحه یا داشتن مواد محترقه را ندارد. (همان: ۲۴۳) با این وضعیت به نظر می‌آید امنیت در منطقه باید به نفع روس‌ها باشد. فخرایی در جای دیگر در این زمینه آورده است: در صفر سال ۱۳۳۰ ق / ۱۹۱۱ م سفارت روس به وزارت امور خارجه ایران، نامه‌ای نوشت و مطرح نمود که برای جلوگیری از شورش و اغتشاش در گیلان افرادی تبعید و تهدید شوند. این افراد از بزرگان و فرهنگ دوستان انزلی و رشت بودند که عملی شد (همان: ۲-۲۵۱).

عوامل روس منطقه به توصیه دولتشان در بیشتر مواقع بجای درخواست مطالبات، خود مستقیماً وارد عمل می‌شدند. مداخلات و اقدامات روس‌ها در گیلان در جریان انقلاب مشروطه ملموس‌تر است. «مواردی مشاهده می‌شود که ایرانی‌ها اموال متعلق به اتباع روس را خودسرانه تصاحب می‌کنند... برای جبران این زیان، سرکنسول روس در گیلان جلوی پرداخت مالیات اتباع روس در گیلان را گرفته...» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۲/ ۱۱۴) آن‌ها با این اقدام علاوه بر حمایت از اتباع خود، قصد اختلال در اوضاع اقتصادی گیلان را داشتند.

قزاق‌های روسی به امر کنسول روس بدون توجه به حکومت گیلان، مخالفان خود را

دستگیر و زندانی و یا حتی به قتل می‌رساندند. روس‌ها رفت‌وآمد در بندر انزلی را کنترل می‌کردند. «هر بار که کشتی مسافری از بادکوبه می‌رسد چند سالدات روس از کشتی جنگی کراسناودسک، که در ساحل انزلی لنگر انداخته است، همراه اکنت به کشتی رفته مسافری را تفتیش و استنطاق می‌کنند.» (فخرایی، ۲۵۳۶ : ۷-۲۲۶) براین اساس روس‌ها برای کنترل انقلاب گیلان، خود دست به کار شدند.

مداخلات کنسول روس در رشت گریبانگیر بسیاری از آزادیخواهان و سرشناسان شد و بدون توجه به شخصیت و جایگاه اجتماعی به تحقیر و تهدید آن‌ها می‌پرداخت. «قونسول روس افسح، مدیر خیرالکلام را کتک می‌زند و او را از دفتر روزنامه‌اش به عنف بیرون کشید و به قونسولخانه می‌برد.» (همان: ۲۲۷).

در مقابل مداخلات کنسول، انجمن ایالتی گیلان خواهان عزل وی شد که بی‌نتیجه بود. چون محمدعلی شاه به روسیه متکی بود و اقدامات کنسول نه‌تنها مورد تأییدشان بود بلکه حتی آن را کافی نمی‌دانستند و خواهان شدت عمل بیشتری شدند. «روزنامه‌های روسیه که طرفدار محمدعلی شاه و استبداد بودند نوشتند وقت آنست که روسیه از بی‌تفاوتی دست بردارد و قبل از آنکه انقلاب گیلان توسعه پیدا کند با اعزام قوای نظامی خطه سرسبز گیلان را از دست مشت‌ی اوباش گیلانی و آنارشویست قفقازی نجات دهد.» (تدین، ۱۳۵۳: ۱۲۴۳).

در دوره احمدشاه، روس‌ها که مترصد فرصت برای لشکرکشی به ایران بودند، اقدامات مورگان شوستر بهانه به دستشان داد و وارد ایران و گیلان شدند. بعضی از اتباع روس با ورود سربازان بر جسارت خود افزودند و آشوب‌هایی را ایجاد کردند. «در رشت مشت‌ی تبعه روس... یک ایرانی را گرفتند و تا دم مرگ کتک زدند... باز در رشت یک کارمند کنسولگری روسیه عده‌ی زیادی از اتباع روسیه را در خانه‌اش جمع کرد و برایشان از عدم امنیت شهر داد سخن داد.» (همانجا) به نظر می‌آید همه عوامل دست به دست هم داده بودند تا روس‌ها گیلان را ناامن کنند و دلیل حضور خود را برای ایجاد امنیت لازم شمارند.

نیروهای روسی و عوامل آن‌ها به قدری بر گیلان و نواحی شمالی ایران مسلط شدند که مورد تمجید قرار گرفتند. «وقاحت روزنامه روسی نوویه ورمیا (عصر جدید) به آنجا رسید که

نوشت ورود عساکر روس را به ایران باید فوزی عظیم برای ایرانیان دانست چراکه دستگاه اداریشان را از هرج و مرج نجات بخشیده‌اند.» (فخرایی، ۲۵۳۶: ۲۳۱) این مطلب بیانگر آنست که تا این زمان روس‌ها در دستیابی به اهداف خود موفق بوده‌اند.

نفوذ روس‌ها در دوران جنگ جهانی اول هم ادامه داشت و نظامیان روس، گیلان را در اشغال خود داشتند و هرگونه مخالفت را به شدت سرکوب می‌کردند و حتی مخالفان جهانی آنان مثل اتباع عثمانی و آلمان در منطقه هم تحت فشار بودند. در ذی‌القعدة ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۴م روس‌ها به شهیندرخانه عثمانی هجوم بردند و کنسول عثمانی را با دو نفر دستگیر کردند و به انزلی فرستادند تا به روسیه برده شود (سپهر، ۱۳۳۶: ۲۱۱).

نهیض جنگل که تهدیدی بزرگ علیه حضور روس‌ها بود، باعث وحشت آنان شد و به سرعت به مقابله برخاستند. «سفارت روس هر لحظه به فشارش می‌افزود و اعزام قوا و قلع فوری جنگلی‌ها را از مقامات رسمی دولت درخواست می‌نمود.» (فخرایی، ۱۳۶۸: ۸۲) کنسولگریشان هم در گیلان به حاکم محلی فشار می‌آورد که جلوی جنگلی‌ها را بگیرد. (همان: ۶۳) البته روس‌ها آرام ننشستند و به همراه درخواست سرکوب، خود هم‌دست به کار شدند و تا انقلاب اکتبر مبارزات جسته و گریخته‌ای با جنگلی‌ها داشتند.

بر این اساس از آغاز تحولات انقلابی تا اکتبر ۱۹۱۷م / ۱۳۳۵ق مردم گیلان شاهد دو نوع حکومت بودند؛ حکومتی که از سوی تهران مأمور بود و حکومت کنسول روس که مقتدرانه‌تر از حاکم ولایتی عمل می‌کرد. به نظر می‌آید روس‌ها دولتی در دل دولت ایران در گیلان تأسیس کرده بودند که مرکز این دولت در کنسولخانه‌ها قرار داشت و کنسول‌ها هم رئیس این دولت بودند.

۹- ورود اسلحه

بنادر گیلان دروازه ورود کالا بود. انواع مختلف کالاهای تولیدی صنایع و کارخانجات روسیه و غرب از جمله اسلحه به صورت قانونی یا غیرقانونی وارد ایران می‌شد. مقدار زیادی از این کالاها و سلاح به‌طور قاچاق بود. بسیاری از این اسلحه‌ها به دست مخالفان می‌رسید. «دولت ناصری همان اندازه از لامذهبان (سوسیالیست) می‌هراسید که از ماده خبیثه

دینامیت. وقتی خبر کشف چند صندوق نارنجک به کامران میرزا رسید، اعتمادالسلطنه ترسو به خود لرزید، نوشت: پناه بر خدا از ورود این ماده خبیثه... استعمالش برای من و امثال من است.» (آدمیت، ۱۳۵۴: ۷-۸).

حکومت ایران به این دلیل که اسلحه به دست مخالفان نیفتد بنادر را تحت کنترل داشت. مرآت‌الوقایع مظفری از حوادث سال ۱۳۲۳ق/ ۱۹۰۴م می‌نویسد: «کشتی ساروخان متعلق به ساروخان‌اف ارمنی در ماه رجب به بندر انزلی آمده بود. مقداری آلات ناریه از قبیل فشنگ و غیره با خود آورده بود... اجزای گمرک ایران بارها را از او گرفتند و نیز بار تپانازف ارمنی مستأجر شیلات صید ماهی، آلات ناریه می‌خواست به سرحد ایران داخل نماید، بارش گرفتار شد و نیز دربارهای وزیر دربار یک صندوق (آلات) ناریه متعلق به قومانیانس ارمنی دیده شد و گرفتار آمد.» (عبدالحسین خان سپهر، ۱۳۸۶: ۱۳۲/۲). به نظر می‌آید در اواخر حکومت مظفرالدین شاه با توجه به اوضاع سیاسی، اجتماعی، عده‌ای سعی در ورود اسلحه داشتند اما با وجود کنترل شدید، اسلحه به تدریج وارد گیلان می‌شد و به دست انقلابیون می‌رسید (ملک‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۴۲/۵). روش دیگر، دستیابی به سلاح‌های دولتی بود. «اسلحه و قورخانه‌ای که برای دولت در انزلی وارد کرده بودند به حکم انجمن ولایتی ضبط و توقیف شد.» (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱/۴۴). بدین گونه اسلحه‌هایی که محمدعلی شاه برای سرکوبی آزادیخواهان تهیه کرده بود بدست گیلانی‌ها افتاد. بیشترین تلاش برای ورود اسلحه در دوره محمدعلی شاه از جانب قفقازی‌ها به‌ویژه ارامنه صورت گرفت. پیرم‌خان ارمنی و همسرش از جمله افرادی بودند که برای ورود اسلحه از باکو تلاش می‌کردند (فروچی، ۱۳۷۷: ۱۸۰). پانف نیز از کسانی بود که، دستگاه بمب‌سازی همراه خود آورده و شبانه‌روز مشغول ساخت بمب بود (عین السلطنه، ۱۳۷۴: ۳ / ۲۳۳۷).

برخی اتباع ایرانی که به قفقاز می‌رفتند به همراه خود اسلحه می‌آوردند، چه برای نفع اقتصادی و چه جهت کمک به انقلابیون که بعضی مواقع هم گرفتار می‌شدند. نشریه خیرالکلام می‌نویسد: «در ۲۲ ماه ربیع‌الثانی رحیم و مهدی از تبعه ایران را در کشتی گرفتار کردند به‌عنوان آنکه شما حامل بمب و نارنجک هستید.» (۱۳۲۸ (۳۹): ۴) اسلحه‌هایی که به دست آمد جهت مبارزه با محمدعلی شاه و پس از آن در مبارزه علیه اشغال گیلان طی

جنگ جهانی اول و قیام میرزا کوچک‌خان بهره بردند. ورود اسلحه تا پایان حکومت قاجار یکی از دغدغه‌های اصلی گمرک انزلی بود.

۱۰- ارتباط آزادیخواهان گیلان با قفقاز

در اواخر حکومت مظفرالدین شاه، ایران شاهد یک تحول بنیادی بود. نهضت مشروطه توسط روشنفکران و آزادیخواهان عملی شد. در این حرکت بعضی از مناطق مثل آذربایجان و گیلان به همراه تهران نقش اصلی را داشتند. از آنجا که باید از جمله زمینه‌های وقوع انقلاب را در آشنایی ایرانیان با روسیه و غرب جستجو کرد، این دو منطقه به دلیل بودن در مسیر ارتباطی ایران و اروپا زودتر از نواحی دیگر از افکار جدید آگاهی یافتند.

خیزش‌های انقلابی در روسیه از اواخر قرن ۱۹ آغاز شده بود و منطقه قفقاز به دلیل فشارهای حکومت تزاری در این میان نقش مهمی ایفا می‌کرد و تشکل‌های سیاسی-اجتماعی جدیدی را به وجود آورد که حزب سوسیال دموکرات کارگران روس از آن جمله بود. این افراد اقوام غیر روسی بودند که در مقابل سیاست روسی ساختن منطقه ایستادگی و دست به تشکیل حزب زدند (آدمیت، ۱۳۵۴: ۱۴). از جمله این اقوام ایرانیان بودند که با آغاز تحولات منطقه و با تشکیل حزب به جمع مخالفان پیوستند و زمینه ایجاد اولین احزاب این دوره را در ایران فراهم کردند. «همت اولین سازمان سوسیال دموکرات ایرانی در سال ۱۹۰۴ توسط مهاجرین فعال ایرانی و با کمک همیاران انقلابی روسیشان در باکو بنیاد نهاده شده...» (حکیمان، ۱۳۷۴: ۶۶-۶۷).

گروه‌های مختلفی در حزب سوسیال دموکرات ایرانیان قفقاز عضو بودند. برخی از بازرگانان، کارگران و پیشه‌وران ایرانی به عضویت آن درآمدند (آدمیت، ۱۳۵۴: ۱۴). همین افراد زمینه شکل‌گیری حزب اجتماعیون و عامیون در ایران را فراهم ساختند. در واقع فعالیت اعضای آن از باکو شروع شد و به شهرهای مرزی رسید و در گیلان به دلیل همجواری با قفقاز زودتر به ثمر نشست و حزب در شهرهای رشت و انزلی فعالیت خود را شروع کرد. «شعبه اجتماعیون عامیون رشت بعد از شعبه تهران مهم‌ترین و فعال‌ترین شاخه‌ی آن فرقه بود.» (همان: ۲۰-۱).

قبل از حزب ایرانیان، حزب دانشاکیسیون ارامنه در گیلان فعالیت می‌کرد. این حزب در سال ۱۲۹۷ق/ ۱۸۸۰م در تفلیس کارش را شروع کرد و در شهرهای ارمنی‌نشین مثل تبریز، اصفهان و تهران شعبات سازمانی داشت. پیرم‌خان، کارگران مهاجر ارمنی و گرجی و عده‌ای از اهالی گیلان را دور هم جمع کرد و شعبه گیلان را به وجود آورد (فاخته، ۱۳۷۱: ۲۶۷).

نفوذ افکار سیاسی- اجتماعی قفقاز در گیلان سبب شد که فعالیت‌های مشترکی بین آن‌ها صورت گیرد. کتاب آبی در گزارش ۲۴ آوریل ۱۹۰۷م خود آورده است: «چون در باکو ملاحان خط انزلی، باکو دست از کار کشیده بودند تا مدتی حرکت کشتی به تعویق افتاد و... عاقبت قایقچیان انزلی نیز محض همراهی با ملاحین باکو تعطیل نمودند.» (۳۷/۱: ۱۳۶۳). باز کتاب آبی به تأثیر روابط با قفقاز اشاره می‌کند: «آثار هیجان در دفع ظلم و مقابله با اولیاء امور در تمام ولایات مشهود است ولی محرکین غیرمعلومند و آنچه به نظر می‌آید از طرف شمال و شاید از قفقاز تحریک می‌شوند.» (۴۱/۱).

در میان انقلابیون این دوره منطقه یک ویژگی قابل توجه است و آن سابقه روابطشان با قفقاز و روسیه بود. این افراد در فعالیت‌های انقلابی از آزادیخواهان قفقاز کمک می‌گرفتند. در نتیجه تا حدی تحت تأثیر افکار روشنفکران روس، هم با حکومت ایران و هم از دخالت روس در منطقه ناراضی بودند. از جمله میرزا کریم‌خان رشتی و برادرش سردار محیی از انقلابیون گیلان هستند که خواستار همراهی هم مسلکان قفقازی خود بودند. «مجاهدینی از باکو و تفلیس به‌طور مخفیانه خود را به رشت رسانده بودند و در خانه‌های چند نفر اشخاص که باطناً با آن‌ها همداستان بودند مخفی شده بودند.» (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۹). این افراد در فعالیت‌های نظامی در گیلان دخالت داشتند. «شورشیان را که پنجاه تن کمابیش قفقازی میان ایشان بودند در خانه معزالسلطان گردآورده تفنگ و فشنگ و نارنجک بایشان بخشیدند.» (کسروی، ۱۳۸۳: ۹).

علاوه بر درخواست انقلابیون گیلان، آزادیخواهان قفقاز هم خواهان دخالت در انقلاب ایران بودند و در قیام گیلان علیه محمدعلی شاه شرکت مستقیم داشتند. «انقلابیون قفقاز و روسیه در ۱۹۰۵ از نیروی شگرف تزار... شکست خورده بودند و در نهضت ضد استبداد ایران شرکت می‌جستند زیرا که محمدعلی میرزای قاجار دوست دشمن ایشان (تزار) روس بوده و

ایشان تضعیف او را بخشی از مبارزه اصلی خویش علیه تزار می‌شمردند.» (کشاورز، ۱۳۴۷: ۵۶).

میرزا کوچک‌خان از جمله انقلابیون منطقه مدتی را در قفقاز بسر برد و با آزادیخواهان آن منطقه در ارتباط بود: «میرزا هنگام بمباران مجلس شورای ملی از طرف محمدعلی شاه در قفقاز بود و اقامتش در تفلیس و بادکوبه تا حدی وی را به مقتضیات دنیای نوین آشنا ساخت.» (فخرایی، ۱۳۶۸: ۳۹-۴۰). بار دوم اقامت میرزا در قفقاز، به زمان حمله محمدعلی شاه به گمش‌تپه برمی‌گردد که وی مجروح و اسیر شد و او را به باکو بردند (همان: ۴۰) که تا بهبودی کامل از فضای موجود برای پرورش اندیشه‌های خود بهره برد.

از شخصیت‌های دیگر این دوران باید از آقا محمد یزدی نام برد که عنوان نمایندگی رشت در مجلس دوم را بر عهده داشت. او تحصیل کرده باکو بود و به افکار سوسیال دموکراسی آنجا گرایش داشت (آدمیت، ۱۳۵۴: ۲۳).

در زمان انقلاب کمونیستی روسیه، بسیاری از ایرانی‌ها و گیلانی‌ها در تظاهرات و اعتصابات انقلابیون قفقازی حضور داشتند.

بنابراین، این ارتباط زمینه مناسبی را برای پیدایش افکار جدید در میان اهالی گیلان فراهم نمود. تحت تأثیر عملکردهای انقلابیون و روشنفکران روسی، مردم گیلان تحولات جدید را پذیرا شدند و این پذیرش باعث گردید تا در خیزش‌های سیاسی، اجتماعی ایران نقش پرثمیری را بازی نمایند.

نتیجه‌گیری

گیلان مهم‌ترین راه ارتباطی ایران به اروپا بود. احداث جاده رشت-تهران، ایجاد بندر در انزلی و راه‌اندازی خطوط کشتی‌رانی توسط روسیه، گیلان را به دروازه اروپا مبدل کرد. تبدیل گیلان به دروازه اروپا، سبب ورود و خروج مسافران از طبقات مختلف اجتماعی شد. رونق تجارت و صنعت، اقتصاد نامناسب، نفوذ روس و فشار بر آرامنه قفقاز از جمله عواملی بودند که بسیاری از اهالی ایران به روسیه مهاجرت نمایند و در مقابل بسیاری از اهالی روسیه نیز به ایران مهاجرت کنند و چون این افراد اغلب از تجار، آزادیخواهان و روشنفکران

بودند توانستند در بیداری مردم نقش ایفا کنند. حضور روس‌ها در گیلان و برخورد جسورانه آن‌ها با مردم گیلان، روحیه بیگانه‌ستیزی اهالی که از گرایش‌های مذهبی و ملی‌نشیات می‌گرفت را تقویت نمود. قیام جنگل نیز از همین روحیه سرچشمه گرفت. با برقراری کاپیتولاسیون، علاوه بر روس‌ها، بسیاری از تجار و بزرگان گیلانی جهت رهایی از قید و بندهای قوانین ایران تابعیت روس را پذیرفتند. بنابراین در قبال عملکرد آن‌ها حکام محلی قدرتی نداشتند. ارتباط مردم گیلان با روسیه و آشنایی با تحولات اجتماعی و سیاسی این کشور در پیدایش افکار جدید در منطقه مؤثر بود و گیلانی‌ها از ارتباط با آزادیخواهان و انقلابیون قفقازی بهره بردند. اندیشه‌های مشروطه‌خواهی با اقدامات و مداخلات خودسرانه روس‌ها تقویت شد. در طول تحولات گیلان انقلابیون با همراهی قفقازی‌ها، هم با دولت ایران و هم با عوامل روسی در حال مبارزه بودند. انقلابیون از طریق روسیه و قفقاز سلاح مورد نیاز خود را فراهم می‌نمودند. منطقه قفقاز در مشروطه گیلان نقش مهمی داشت تا جایی که اغلب رهبران نهضت در ارتباط مستقیم با آن بودند و از همراهیش بهره می‌بردند.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۵۴)، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران، پیام.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷)، *تاریخ منتظم ناصری*، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۳، تهران، دنیای کتاب.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱)، *افضل التواریخ*، مصححان منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران، تاریخ ایران.
- اورسل، ارنست (۱۳۵۳)، *سفرنامه*، مترجم علی اصغر سعیدی مترجم، تهران، زوآر.
- بنجامین، س. ج. و (۱۳۶۹)، *ایران و ایرانیان*، مترجم محمدحسین کردبچه مترجم، ج ۲، تهران، جاویدان.
- بوهلر (۱۳۹۰)، *سفرنامه و جغرافیای گیلان و مازندران*، به کوشش م. پ. جکتاجی، ج ۲، رشت، گیلکان.
- پرتو، افشین (۱۳۹۰)، *فرهنگ گیلان*، گیلان ما، ش ۳، س یازدهم.
- _____ (۱۳۸۲)، *گیلان خواهی روس‌ها*، نشریه گیلان، ش ۳، س سوم.
- _____ (۱۳۷۹)، *تاریخ گیلان*، رشت، حرف نو.
- تجدد، ۱۳۳۵، ص ۱.
- تدین، عطاءالله (۱۳۵۳)، *تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی و نقش گیلان در نهضت مشروطیت ایران*، تهران، فروغی.
- تقی‌زاده، سیدحسن (۱۳۷۹)، *زندگی طوفانی*، (به کوشش عزیزالله علیزاده)، تهران، فردوس.
- حکیمیان، حسن (۱۳۷۴)، *گیلان کارمزدی و مهاجرت*، مترجم افسانه منفرد، تاریخ معاصر ایران کتاب هفتم، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
- جکسن، ابراهم و ویلیامز (۱۳۵۲)، *سفرنامه*، مترجمان منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی.

- جورابچی، حاج محمدتقی (۱۳۸۶)، *حرفی از هزاران که اندر عبارت آمده*، تهران، تاریخ ایران.
- چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۲)، *کاپیتولاسیون در تاریخ ایران*، تهران، مرکز.
- خودزکو، الکساندر (۱۳۹۰)، *سرزمین گیلان*، مترجم سیروس سهامی، رشت، فرهنگ ایلیا.
- *خیرالکلام*، ۱۳۲۷ (۷۶): ص ۱.
- *خیرالکلام*، ۱۳۲۸ (۳۹): ص ۴.
- دالمانی، هانری رونه (۱۳۳۵)، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، مترجم محمد فره‌وشی، تهران، امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰)، *سفر در ایران*، مترجم منوچهر اعتماد مقدم، چ ۴، تهران، شبابویز.
- رایینو، هل (۱۳۶۸)، *مشروطه گیلان*، به کوشش محمد روشن، رشت، طاعتی.
- _____ (۱۳۸۶)، *ولایات دارالمرز ایران*، مترجم جعفر خمami زاده، چ ۵، رشت، طاعتی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ایران*، (چ ۲)، تهران، نگاه.
- سپهر، احمدعلی (۱۳۳۶)، *ایران در جنگ بزرگ*، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.
- سرنا، کارلا (۱۳۸۳)، *مردم و دیدنی‌های ایران*، مترجم غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو.
- شوستر، مورگان (۱۳۸۹)، *اختناق ایران*، مترجم حسن افشار، چ ۲، تهران، ماهی.
- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۶۹)، *افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار*، تهران، کیهان.
- عبدالحسین خان سپهر (۱۳۸۶)، *مرآت‌الوقایع مظفری*، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، میراث مکتوب.
- عظیمی دویخستری، ناصر (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات اجتماعی-اقتصادی گیلان*، رشت، گیلکان.
- عیسوی، چارلز (۱۳۸۸)، *تاریخ اقتصادی ایران*، مترجم یعقوب آژند، چ ۲، تهران، گستره.

- عین السلطن، قهرمان میرزاسالور (۱۳۷۴)، *روزنامه خاطرات*، تصحیح مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر.
- فاخته، قربان (۱۳۷۱)، *اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گیلان، گیلان نامه*، ج ۳، رشت، طاعتی.
- فوران، جان (۱۳۷۲)، *مفهوم توسعه وابسته*، مترجم احمد تدین، تاریخ معاصر ایران کتاب چهارم، تهران، موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۶۸)، *سردار جنگل*، ج ۱۲، تهران، جاویدان.
- _____ (۲۵۳۶)، *گیلان در جنبش مشروطیت*، ج ۳، تهران، شرکت کتاب‌های جیبی.
- فروچی، علی، فرامرز طالبی (۱۳۷۷)، *ارمنیان گیلان*، رشت، گیلکان.
- فووریه (۱۳۸۵)، *سه سال در دربار ایران*، مترجم عباس اقبال آشتیانی، تهران، علم.
- کاظم‌زاده، فیروز (۱۳۷۱)، *روس و انگلیس در ایران*، مترجم منوچهر امیری، ج ۲، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- *کتاب آبی* (۱۳۶۳)، به کوشش احمد بشیری، ج ۲، تهران، نو.
- *کتاب نارنجی* (۱۳۶۸)، به کوشش احمد بشیری، ج ۲، تهران، نو.
- کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۴۷)، *ایران و قضیه ایران*، مترجم علی جواهر کلام، تهران، ابن‌سینا.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳)، *تاریخ هیجده ساله آذربایجان*، ج ۲۳، تهران، امیرکبیر.
- کشاورز، کریم (۱۳۴۷)، *گیلان*، تهران، کتابخانه ابن‌سینا.
- مکنزی، چالز فرانسیس (۱۳۵۹)، *سفرنامه شمال*، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران، گستره.
- مکی، حسین (۱۳۵۷)، *مختصری از زندگی سیاسی سلطان احمدشاه قاجار*، تهران، امیرکبیر.

- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران، سخن.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان (۱۳۶۲)، *خاطرات و اسناد*، مصححان معصومه مافی و دیگران، چ ۲، تهران، نشر تاریخ ایران.
- هولمز ویلیام ریچارد (۱۳۹۰)، *سفرنامه ساحل خزر*، مترجم شبنم حجتی سعیدی، رشت، فرهنگ ایلیا.
- یوسف‌دهی، هومن (۱۳۸۹)، *گیلان در انقلاب مشروطه*، رشت، فرهنگ ایلیا.